

۲ در خط مقدم امنیت
در باره اسماعیل خطیب

۴ کانه
درباره بازگشت کینگ رام

۶ توسعه
آیا در تابستان با جیره بندی برق مواجه می شویم؟

۷ کورچه
اثرات جنگ بر صنعت نشر

تب گرانی کاغذ

جامعه

استراتژی بقاء

چگونه هزینه های زندگی را کم کنیم؟

یادداشت روز

از حمله به غیر نظامیان تا هدف گیری نیروگاه ها

دولت ترامپ باید به جرم جنایت جنگی تحت تعقیب قرار گیرد

عمادالدین باقی

جامعه شناس
و پژوهشگر حقوق بشر



البته نیک می دانیم که در سپهر سیاست، حرف اصلی را «قدرت» می زند نه «قانون». این یکی از تفاوت های بنیادین سیاست و حقوق بشر است. اگر یک صدم جرایم ترامپ و دولت او را کشور دیگری مرتکب می شد که ضعیف بود، فوراً تحت فصل هفتم منشور ملل متحد می رفت و مجوز حمله نظامی علیه آن کشور صادر می شد اما درباره اسرائیل، با وجود اینکه دیوان بین المللی کیفری، حکم بازداشت تانیاها را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی صادر کرده، هیچ اتفاقی برایش نیفتاد و چند سفر نیز به واشنگتن رفت. از این رو مقاله پیش رو از منظر حقوقی نوشته شده نه واقع گرایی و امکان عملی بودن آن.

از سوی دیگر، ممکن است طرفین در یک توافق صلح، اسقاط ادعاهای بعدی را هم مورد توافق قرار بدهند اما از نظر نهادهای حقوق بشری، جنایت علیه بشریت قابل اسقاط نیست و اگر عزمی وجود داشته باشد، می تواند پیگیری کند و شورای حقوق بشر سازمان ملل نمی تواند بی تفاوت باشد و بیش از آن دیوان بین المللی کیفری مکلف به پیگیری است زیرا رسیدگی به جرایم جنگی، جزو وظایف دیوان است.

در عرف حقوقی و قضایی جهان، مستند جرم، یا «بینه» (مدرک و دلیل) است، یا «اقرار» در شرایط آزاد و بدون اکراه. درباره دولت ترامپ هر دو مصداق دارد. کشتار میناب، سند محکمی برای پیگیری قضایی است. ترور مقامات یک دولت عضو سازمان ملل، جرم دیگری است. ششگفت اینکه در عصر حجر هم این جنایات به صورت رسمی و افتخار آمیز اعلام نمی شد. ترامپ در گفت و گو با رسانه ها اظهار می کند: «تا ۳۰۰ بشمارید آن وقت یک سری از مقامات ایران دیگر نیستند». ولی بالاتر از همه آنها، جرم حمله به مناطق و مراکز غیر نظامی است که علناً جلوی چشم مردم جهان در آزادی کامل به آن اقرار شده است. به جز وزیر جنگ، رئیس جمهور آمریکا نیز چندبار در فرستاده های توییتری و تروئوسوشال و مصاحبه ها رسماً از «حمله به اهداف بزرگ مرتبط با پلها، آبشیرین کن و تولید برق و زیرساخت ها» سخن گفت و در چند مورد هم به آن عمل کردند که مصداق نقض جدی حقوق بین الملل و بشر دوستانه از جمله اصول بنیادین مندرج در کنوانسیون های ژنو و پروتکل های الحاقی آن مانند مواد ۴۸ و ۵۲ پروتکل الحاقی اول است. وال استریت ژورنال، گزارش داد که «دولت ترامپ پلها و نیروگاه های برق در ایران را به عنوان اهداف نظامی مشروع می بیند». این همان دکترین ضاحیه اسرائیل است که در جنگ غزه نیز اعمال شد و تمام مدارس، بیمارستان ها، مساجد و کلیساها را بمباران کردند. (پیش تر در سرمقاله های «ترقند پلیدی برای کشتار غیر نظامیان» در روزنامه سازندگی ۳۰ مهر ۱۴۰۳ و «بمباران اعتبار قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی» شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲ تشریح شد). در دکترین ضاحیه باید تمام امکانات حریف نابود و سرزمین آن تبدیل به زمین سوخته شود. ارتش آمریکا در توجیه حمله به مراکز غیر نظامی مدعی است: نیروگاه برق و پالایشگاه و مراکز تولید ثروت، هدف نظامی در نظر گرفته می شوند چون کاربرد دوگانه دارند و در جنگ از آنها استفاده می شود. بر اساس «کتابچه راهنمای حقوق جنگ» وزارت دفاع آمریکا، زیرساخت های برق از دیرباز در چارچوب عملیات نظامی، اهدافی مشروع و قابل توجیه تلقی شده اند. به گفته وزارت دفاع آمریکا، ماهیت «دوگانه» شبکه های برق یعنی استفاده همزمان از آنها برای مقاصد غیر نظامی و نظامی - باعث می شود که این زیرساخت ها، با وجود آثار گسترده ای که تخریب شان بر زندگی غیر نظامیان می گذارد، در بسیاری از موارد هدفی قابل حمله محسوب شوند. چنین استدلالی پیش تر در جریان حملات به عراق نیز مطرح شده بود. راهنمای قانون جنگ وزارت دفاع آمریکا صراحتاً می گوید: «نیروگاه های برق معمولاً از اهمیت استراتژیک کافی برای توانایی یک کشور در حفظ ارتباطات، حمل و نقل و صنایع خود در زمان جنگ برخوردارند؛ به گونه ای که در بیشتر موارد به عنوان اهداف نظامی در درگیری های مسلحانه شناسایی می شوند».

ادامه در صفحه ۲

نقش کلیدی منیر

سازندگی ضمن بررسی سفر سیدعباس عراقچی به اسلام آباد، به نقش **عاصم منیر**، فرمانده ارتش پاکستان در مذاکرات بین ایران و آمریکا پرداخته که از یک سو مورد اعتماد آمریکایی هاست و از دیگر سو، ایرانیان نیز به او اعتماد دارند. آیا میانجیگری او می تواند راه توافق را هموار کند؟

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا حدود پنج روز پیش در شبکه اجتماعی خود اعلام کرد که آتش بس با ایران را تا زمان مشخص شدن نتایج گفت و گوها تمدید می کند. او در همان حال ادعا کرد که ایران در حال آماده سازی یک پیشنهاد است و باید ببینیم چه می شود. این اظهارات در حالی مطرح می شود که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، سفر خود به کشورهای پاکستان، عمان و روسیه را نیز آغاز کرده است.



ابوالفضل خدایی

گروه بین الملل

ادامه در صفحه ۳



گزارش سیاسی

ادامه وضعیت «نه جنگ، نه صلح» منطقی نیست

تأکید دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران بر ضرورت بازگشت به میز مذاکره



گروه سیاسی: در شرایطی که معادلات سیاسی و امنیتی منطقه درگیر بی‌ثباتی است، حسین مرعشی در گفت‌وگو با آوش از لزوم عبور از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» سخن می‌گوید؛ وضعیتی که به باور او، نه تنها دستاوردی برای کشور ندارد بلکه می‌تواند به تدریج هزینه‌های سنگینی را تحمیل کند. او تلاش می‌کند، تصویری واقع‌بینانه از شرایط پیش‌رو ارائه دهد و بر ضرورت تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر عقلانیت اصرار دارد. دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با آوش تأکید می‌کند که همه دلسوزان ایران، انقلاب و کسانی که وفادار به رهبری هستند باید از اقدامات مسئولان حمایت و آنها را تأیید و همراهی کنند.

مرعشی در این گفت‌وگو، بحث خود را با پرسشی مهم آغاز می‌کند و می‌گوید: «مگر می‌توانیم در شرایط آتش‌بس مذاکره نکنیم؟ می‌خواهیم کشور را در شرایط نه جنگ و نه صلح نگه داریم؟» او معتقد است که «هر کس هر نظری دارد باید در مورد کیفیت مذاکرات باشد». از نگاه او، هر جنگی باید پایانی داشته باشد و این پایان، ناگزیر از مسیر گفت‌وگو و مذاکره عبور می‌کند. مرعشی می‌گوید: «اینکه کشور را در حالت نه جنگ نه صلح نگه می‌داریم و دشمن هر وقت دلش خواست عملیات انجام دهد، منطقی نیست. باید برای هر جنگی پایانی متصور باشد و پایان هر جنگ به گفت‌وگوها و مذاکرات برمی‌گردد. مگر غیر از این راهی وجود دارد؟» او در ادامه به دیدگاه‌هایی اشاره می‌کند که اساساً مذاکره را رد می‌کنند و معتقدند باید تا نابودی کامل دشمن پیش رفت. مرعشی اما این نگاه را به چالش می‌کشد و می‌گوید: «ممکن است کسانی مدعی باشند که اساساً ما نباید مذاکره کنیم و باید تا نابودی ارتش آمریکا و اسرائیل گام برداریم که باید ببینیم چنین چیزی به مصلحت کشور است؟ چنین کاری در توان ما هست یا نیست؟ آسیب‌پذیری‌ها و امکاناتمان چیست؟ باید کاملاً عاقلانه بسنجیم. ایران اکنون برنده سیاسی جنگ است و در یک مذاکرات عزت‌مند و از موضع اقتدار باید این پیروزی سیاسی را ثبت و کشور را از حالت نه جنگ و نه صلح خارج کند. شرایط نه جنگ و نه صلح برای ما فرسایشی، پرهزینه و خطرناک است».

مرعشی در واکنش به اینکه آیا در شرایط فعلی امکان نشست ایران و آمریکا بر سر یک میز فراهم است؟ می‌گوید: «مذاکره در حال برنامه‌ریزی است، مدیران لایق کشور، کار را جلو می‌برند. مذاکره مستقیم و غیرمستقیم هیچ تفاوتی نمی‌کند». در عین حال، او به اقدامات متقابل ایران در برابر فشارهای خارجی نیز اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «اگر آمریکایی‌ها محاصره دریایی انجام دادند، ما هم پاسخ آن را دادیم. پاسخ محاصره دریایی بسته نگه داشتن تنگه هرمز و عبور محدود کشتی‌هاست». این بخش از سخنان او نشان می‌دهد که در کنار تأکید بر مذاکره، نگاه بازدارنده و پاسخ‌محور نیز همچنان در محاسبات وجود دارد.

مرعشی تأکید می‌کند: «ما پاسخ لازم به آمریکایی‌ها داده‌ایم. هر وقت هم که شرایط فراهم شود، مسئولان ما مذاکرات را شروع خواهند کرد».

با این حال شاید مهم‌ترین بخش صحبت‌های مرعشی به فضای داخلی و نحوه مواجهه با شرایط کنونی بازگردد. او تصریح می‌کند که «همه دلسوزان ایران، انقلاب و کسانی که وفادار به رهبری فقید و شهید و رهبری جدید نظام هستند باید آنچه مسئولان انجام می‌دهند را تکریم، تأیید و همراهی کنند. اکنون کشور نیاز به خودنمایی و اظهارنظرهای غیرمسئولانه من و دیگر دوستان ندارد».

مرعشی در این گفت‌وگو، تصویری از یک دوراهی مهم ارائه می‌دهد: ادامه وضعیت فرسایشی و پرهزینه یا حرکت به سمت مذاکره‌ای که بتواند دستاوردهای سیاسی را تثبیت کند. او بر این باور است که انتخاب مسیر دوم می‌تواند کشور را از بلاتکلیفی خارج کرده و چشم‌انداز روشن‌تری پیش‌روی آن قرار دهد.

در خط مقدم امنیت

روایتی از زندگی و زمانه سیداسماعیل خطیب؛ وزیر شهید اطلاعات در چهلمین روز شهادت او

نظامی گره خورد. او از سال ۱۳۵۹ در اطلاعات عملیات سپاه پاسداران فعالیت خود را آغاز کرد؛ دوره‌ای که هم‌زمان با شکل‌گیری ساختارهای اولیه امنیتی پس از انقلاب بود. در دوران دفاع مقدس در واحدهای اطلاعات عملیات و در کنار نیروهایی چون شهید حسن باقری فعالیت داشت. همان‌جا نیز حادثه‌ای مهم در زندگی‌اش رقم خورد؛ در جریان یکی از عملیات‌ها برای نجات یک رزمنده وارد میدان مین شد و پای

نظامی گره خورد. او از سال ۱۳۵۹ در اطلاعات عملیات سپاه پاسداران فعالیت خود را آغاز کرد؛ دوره‌ای که هم‌زمان با شکل‌گیری ساختارهای اولیه امنیتی پس از انقلاب بود. در دوران دفاع مقدس در واحدهای اطلاعات عملیات و در کنار نیروهایی چون شهید حسن باقری فعالیت داشت. همان‌جا نیز حادثه‌ای مهم در زندگی‌اش رقم خورد؛ در جریان یکی از عملیات‌ها برای نجات یک رزمنده وارد میدان مین شد و پای

گروه سیاسی: خبرها یکی پس از دیگری آمدند؛ بی‌وقفه و درهم‌تپیده، در روزهایی که مرز میان روایت رسمی و روایت‌های پراکنده به‌سختی قابل تشخیص بود. در همین فضا بود که نام حجت‌الاسلام سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات، در کنار خبرهایی از تجاوز دشمن آمریکایی-صهیونی مطرح شد و رسانه‌ها بیست‌وهفتم اسفندماه، یک روز پس از شهادت علی لاریجانی، دبیر شمام، نوشتند که سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات نیز در جریان حملات آمریکا و اسرائیل به نواحی از تهران به همراه همسر و دخترش به شهادت رسیده است. در دل این خبرها، تصویری که از خطیب باقی ماند، فراتر از یک مسئول اجرایی بود؛ مردی که امنیت را فراتر از شغل، یک مسیر اعتقادی می‌دید و حالا در آستانه چهلمین روز شهادتش در سازندگی به مرور زندگی و مسیر او از آغاز تا رسیدن به رأس وزارت اطلاعات پرداخته‌ایم.

آرزوی خاص

در ویدئویی که به‌تازگی از سیداسماعیل خطیب منتشر شده، او هنگام فوت کردن شمع آخرین کیک تولدش، آرزوی شهادت می‌کند؛ آرزویی که در نگاه او، اوج یک مسیر معنوی تلقی می‌شد. در کنار این وجه معنوی، خطیب، چهره‌ای کم‌حرف، سخت‌گیر در کار و به‌شدت دور از نمایش رسانه‌ای شناخته می‌شد؛ مدیری که ترجیح می‌داد در پشت صحنه تصمیم بماند نه در قاب تصویر.

اخیراً نیز بخش‌هایی از وصیت‌نامه‌اش در رسانه‌ها منتشر شده که خطیب در آن بیش از هر چیز بر «تقوا، ولایت‌مداری و پرهیز از بهره‌برداری شخصی از قدرت» تأکید دارد. او در همان جملات آغازین، خانواده و نسل خود را به التزام عملی به دین، ساده‌بستگی و پرهیز از دنیاطلبی توصیه می‌کند. فرزند شهید خطیب می‌گوید: «پدرم جز یک خانه و پژو ۴۰۵ هیچ دارایی دیگری نداشت. او حتی برای ملبس شدن من نزد رهبر شهیدمان سفارش نکرد و هیچ‌وقت از موقعیتش سوء استفاده نکرد». در روایت‌های نزدیکانش هم بارها آمده که او حتی در دوران مسئولیت از پذیرش بسیاری از امتیازات اداری و مالی خودداری می‌کرد و تأکید داشت که «باید چیزی برای آخرت باقی بماند». این نگاه در وصیت‌نامه‌اش نیز بازتاب دارد؛ جایی که از طلب حلالیت، تأکید بر حقوق مردم و پرهیز از تزیین بیت‌المال سخن می‌گوید. در نگاه خطیب، انقلاب و ساختار ولایت فقیه، ادامه یک مسیر اعتقادی است که باید با «وفاداری عملی» حفظ شود.

زخم مین و روایت‌هایی از جبهه

سیداسماعیل خطیب، متولد ۱۳۴۰ در قانبات خراسان جنوبی بود. مسیر او از سال‌های ابتدایی انقلاب با فضای امنیتی و

ادامه یادداشت روز



او بر اثر انفجار به‌شدت آسیب دید؛ زخمی که تا آخر عمر با او باقی ماند.

پس از جنگ، مسیر او از میدان عملیات به ساختارهای رسمی اطلاعاتی منتقل شد. در سال ۱۳۷۰ به‌عنوان مدیرکل اطلاعات استان قم منصوب شد. در ادامه، حضور او در ساختار امنیتی کشور به تدریج از سطح استانی به لایه‌های مرکزی قدرت گسترش پیدا کرد. او در دهه ۷۰ به‌عنوان کارشناس در معاونت خارجی وزارت اطلاعات فعالیت داشت و در بخش‌های مختلف عملیاتی و اطلاعاتی این وزارتخانه تجربه کسب کرد. این دوره عملاً مرحله تثبیت او در بدنه حرفه‌ای اطلاعاتی کشور بود. در سال‌های بعد، او به دفتر رهبری منتقل شد و بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ مسئولیت حفاظت و اطلاعات این دفتر را برعهده گرفت؛ جایگاهی که او را در نزدیک‌ترین لایه‌های امنیتی به ساختار رهبری قرار می‌داد.

پس از آن در سال ۱۳۹۱ با حکم رئیس وقت قوه قضائیه به‌عنوان رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه منصوب شد و تا سال ۱۳۹۸ در این مسئولیت باقی ماند؛ دوره‌ای که او عملاً در قلب ساختار نظارتی و حفاظتی دستگاه قضایی کشور

نقطه اتصال نهادهای امنیتی

در سال ۱۴۰۰ با رأی اعتماد مجلس به‌عنوان وزیر اطلاعات منصوب شد. خطیب در دولت چهاردهم نیز ابقا شد و عملاً در یک بازه چندساله، مدیریت عالی‌ترین سطح اطلاعاتی کشور را برعهده داشت. از خطیب به‌عنوان چهره‌ای یاد می‌شود که تلاش داشت، فاصله‌های تاریخی میان نهادهای امنیتی را کاهش دهد و هماهنگی اطلاعاتی را به سطح بالاتری برساند. در همین دوره موضوعاتی چون جنگ اطلاعاتی، عملیات سایبری و شبکه‌های نفوذ خارجی به محورهای اصلی سیاستگذاری وزارت اطلاعات تبدیل شد. در عرصه سیاسی نیز او به‌عنوان فردی نزدیک به ساختارهای حاکمیتی و مدافع جدی سیاست‌های کلان نظام شناخته می‌شد؛ فردی که مأموریت خود را مدیریت بخشی از جنگ اطلاعاتی منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف می‌کرد و در نتیجه، آنچه از او باقی مانده، شبکه‌ای از تجربه، ساختار و نگاه امنیتی است که در طول چهار دهه در سطوح مختلف شکل گرفته بود. در سال‌های پایانی فعالیت‌اش، نام او در

فهرست تحریم‌های آمریکا و کانادا قرار گرفت؛ با اتهاماتی مرتبط با فعالیت‌های سایبری و نقش در ساختارهای امنیتی. تحریم‌هایی که البته در چارچوب جنگ اطلاعاتی و فشار سیاسی غرب قابل تعریف می‌شود.

امنیت به مثابه میدانی دائمی

در نگاه خطیب، امنیت یک وضعیت ثابت نبود؛ یک میدان دائمی بود. کارنامه سیداسماعیل خطیب، ترکیبی از حضور در جنگ، فعالیت در بخش‌های مختلف امنیتی کشور و در نهایت رسیدن به مسئولیت وزارت اطلاعات است. مسیر او از میدان مین در دوران جنگ شروع شد و به اتاق‌های تصمیم‌گیری امنیتی رسید؛ مسیری که در آن یک نگاه ثابت دیده می‌شود: امنیت به‌عنوان یک وظیفه مستمر. بنابراین او نباید فقط به‌عنوان یک مدیر معرفی شود چراکه بخشی از ساختار امنیتی کشور بود؛ جایی که فرد در دل سازمان معنا پیدا می‌کند و نقش‌ها مهم‌تر از نام‌ها هستند و شاید به همین دلیل است که پایان زندگی او هم باید در چارچوب یک روایت بزرگ‌تر از امنیت و هزینه‌های آن فهم شود.

از حمله به غیرنظامیان تا هدف‌گیری نیروگاه‌ها

ریشه‌دار است. برای مثال در سنت ایرانی «بست‌نشینی» داشتیم. مثلاً اگر مجرمی به زیارتگاهی می‌رفت و پناه می‌گرفت تا هنگامی که آنجا بود، امنیت داشت و به او تعرض نمی‌شد. با وجود اینکه می‌دانستند مجرم است اما برای حفظ حرمت مکان، وارد آن نمی‌شدند و اقدامی که موجب کراهت باشد، انجام نمی‌دادند. بست‌نشینی در مشروطه براساس همین سنت رخ داد. این در واقع راهی بود برای کنترل خشم و مجازات.

بنابراین «کتابچه راهنمای حقوق جنگ» وزارت دفاع آمریکا، دکتین ضاحیه اسرائیل، سخنان مکرر رئیس‌جمهور آمریکا و وزیر جنگ او درباره بمباران پل‌ها و مراکز برق ایران و نیز کشتار کودکان مدرسه میناب که دلایل و شواهد متعددی برای ارتکاب این جنایت توسط آمریکا وجود دارد، اسناد و ادله ارتکاب جنایت علیه بشریت بوده و باید بدون مسامحه پیگیری شوند. دیدگاه‌های منفی درباره حکومت در ایران نیز نمی‌تواند هیچ عذری برای فروگذاشتن چنین وظیفه انسانی به‌شمار برود زیرا بنیان نظام حقوقی و حیات و امنیت جهانی را در مخاطره افکنده است.

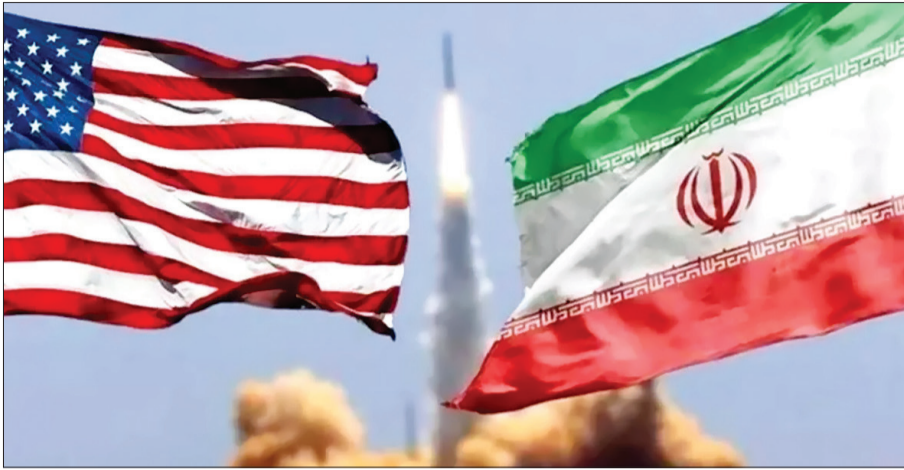
به اجرا درآمدن مورد نقد و اعتراض قرار نمی‌دهند و خواستار ابطال آن نمی‌شوند. اگر قرار باشد هر حکومتی با وضع یک قانون داخلی این قواعد بین‌المللی را دور بزند، دیگر قواعد آمره بین‌المللی و حقوق بشری معنا خواهند بود. مقررات و تصمیمات دولت آمریکا و اسرائیل در تضاد با قواعد آمره بین‌المللی است. در قطعنامه ژنو بر دو اصل اساسی «تناسب» و «احتیاط» در جنگ تصریح شده است. طبق قواعد حقوق بشر دوستانه اگر تردیدی در نظامی بودن یا نبودن هدف وجود داشت باید اصل را بر غیرنظامی بودن آن بگذارند (اصل احتیاط) و پاسخ هم باید متناسب باشد یعنی به همان اندازه که تعرض شده نه بیشتر. این قواعد دنیای جدید آنقدر مهم و ریشه‌دارند که در قرآن هم چند بار با تعابیر گوناگون آمده است از جمله: جِزَاءِ سِیِّئَةٍ سِیِّئَةٌ مِثْلُهَا (شوری، آیه ۴۰) و **وَأِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَاقَبْتُمْ** (نحل، آیه ۱۲۶) هرچند در ادامه می‌گوید، اگر عفو کنید بهتر است و یا اگر شکیبایی بوزید و تلافی نکنید، نیکوتر است **وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلضَّالِّينَ**.

قاعده احتیاط در کنوانسیون ژنو نیز از لحاظ تاریخی

در تعریف حقوقی، «هدف نظامی» به شیئی گفته می‌شود که به دلیل ماهیت، موقعیت، کاربرد یا هدف خاص خود نقشی مؤثر در عملیات نظامی ایفا کند و تخریب، تصرف یا از کار انداختن کامل یا جزئی آن در شرایط موجود، مزیتی مشخص برای طرف مهاجم ایجاد کند.

با این منطق، هیچ هدف غیرنظامی وجود ندارد و عملاً قانون، ملغی است زیرا می‌توان گفت، نظامیان از شبکه آب برای نوشیدن و در نتیجه بقای خود استفاده می‌کنند، پس شبکه آب را هم می‌توان هدف قرار داد. اسرائیل با همین منطق، بیمارستان‌ها و کلیساها و مدارس را در غزه بمباران می‌کرد. در واقع استراتژی آنها، ایجاد سرزمین سوخته است اما چون منع قانونی دارد با این توجیهات انجام می‌دهند. در اسناد ژنو صراحتاً تأسیسات عام‌المنفعه مانند پل‌ها، جاده‌ها، تأسیسات آب و برق و مراکز درمانی و آموزشی و... جزو اهداف غیرنظامی به‌شمار رفته و حمله به آنها ممنوع است.

یکی از نارسایی‌ها و ضعف‌های نهادهای حقوق بشری و شورای حقوق بشر این است که این مقررات و قوانین توجیه‌گر نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را پیش از



اشتباهات ترامپ

رئیس سابق سازمان سیا به نقد رئیس جمهور آمریکا پرداخت



گروه بین الملل: ویلیام برنز، رئیس سابق سیا و دیپلمات کهنه کار سابق آمریکا طی مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز نوشت: جنگ انتخابی رئیس جمهور ترامپ با ایران توجه چندانی به اشتباهات گذشته ما نداشته و اشتباهات خود او را نیز به آنها افزوده است. او فرض کرد که بمبها و ترورها می‌توانند تغییر حکومت را به همراه آورند. او موفقیت نظامی تاکتیکی را با یک راهبرد عملی اشتباه گرفت. سیاست‌هایش را بر اساس امیال درونی شخصیت ریاست جمهوری و سیاست‌های درباری انتخاب کرد. او بدون تأمل و برنامه‌ریزی قبلی و سرسری مذاکره کرد. این اشتباهات غیراجباری تاکنون خسارت راهبردی زیادی وارد کرده‌اند. اما با وجود تعدد یک آتش‌سوزی شکننده و امکان ضعیف از سرگیری مذاکرات هنوز فرصتی برای محدود کردن آسیب وجود دارد. سه درس اساسی از ۸ هفته گذشته می‌تواند به ترامپ کمک کند تا منافع آمریکا را نجات دهد. اول، مدیریت خوب مسائل دشوار سیاست خارجی، زمان و حوصله می‌برد. این درس در مورد جبرگرایی یا اجتناب از انتخاب‌های سخت نیست بلکه در مورد این است که با چه هزینه قابل قبولی برای سایر اولویت‌ها، چه خارجی و چه داخلی، می‌توان به نتیجه رسید. در دیپلماسی، به‌ویژه با حکومتی مثل ایران، ایدئولوژیک و ریشه‌دار، کمال و مطلوب ما به‌ندرت روی میز است. ترورها ممکن است همان‌طور که این دولت آمریکا به‌سرعت در ایران فهمید، می‌تواند

ادامه تیتیر یک

بالستیک آن هرگز نبوده‌اند. ایالات متحده اعتماد کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و متحدان اروپایی خود را به تحلیل برده است. دوستان ما در منطقه هند و اقیانوس آرام، آسیب اقتصادی دیده‌اند و اعتماد خود را به رهبری آمریکا از دست می‌دهند. جنگ همچنین به ولادیمیر پوتین یک طناب نجات داده است که منجر به درآمد بیشتر انرژی و کاهش موجودی تسلیحات آمریکا در زمانی شده که اوکراین در میدان نبرد پیشرفت می‌کند و اقتصاد روسیه با تکنیک‌های وحیم خود روبه‌رو بود. به نظر می‌رسد، شی جین پینگ معتقد است که این مناقشه چین را در موقعیت استراتژیک بالاتری قرار داده است زیرا ترامپ خود را برای سفر به تیان در اواسط ماه مه آماده می‌کند و به شی فرصتی می‌دهد تا در مورد تجارت، فناوری و تایوان امتیازهایی بگیرد. و چالش‌های بلندمدتی در اقتصاد جهانی وجود خواهد داشت حتی در صورت تداوم آتش‌سوزی با تأخیر قابل توجه در اثرات آن. ما لازم نبود این چاله را اینقدر عمیق حفر کنیم. خوشبختانه هنوز زمان هست که بیل را روی زمین بگذاریم، درس‌های سخت را بیاموزیم و با کمی فروتنی بیشتر آنها را به کار بیندیم.

دو چالش اصلی حیاتی خواهد بود: مسئله هسته‌ای و تنگه هرمز. در قلب هر توافق خوب، بازرسی‌های هسته‌ای سفت و سخت، تمدید طولانی مدت ممنوعیت غنی‌سازی اورانیوم و صادرات یا رقیق‌سازی ذخایر موجود اورانیوم غنی شده تهران در ازای دریافت کاهش مشخص تحریم‌ها قرار خواهد داشت. در مورد بازگشایی تنگه برخی توافقات با مشارکت کشورهای ساحلی و سایر بازیگران کلیدی جهانی می‌تواند به حفاظت پایدار از عبور آزاد کمک کرده و به‌طور بالقوه درآمدی برای مین‌زدایی و بهبود اقتصادی ایجاد کند. ایالات متحده برگ برنده قدرتمندی دارد اما یک توافق پایدار نیازمند بسیج متحدان و شرکا و توجه تخصصی به جزئیات با مذاکره‌کنندگان ایرانی باتجربه است. آخرین و حیاتی‌ترین درس این مناقشه، این است که «چمن‌زنی» یعنی استفاده از زور مستقیم علیه تهدیدات فوری بدون هیچ برنامه درازمدتی برای موفقیت - تنها موجب کاشت بذر مشکلات گسترده شده است. فهرست طولانی است: حکومت ایران آسیب دیده اما دست نخورده سر جای خود است. تنگه هرمز، هدیه جغرافیایی استراتژیک به ایران اکنون منبع نفوذ قدرتمندتری برای تهران است که برنامه هسته‌ای، موشک‌های

اروپا

نقش کلیدی منیر

اگرچه خبرهایی مبنی بر سفر استیو ویتکاف و جرد کوشنر به پاکستان نیز منتشر شد اما دونالد ترامپ در مصاحبه با فاکس نیوز گفت که سفر ویتکاف و کوشنر به پاکستان را لغو کرده است. همچنین اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز اعلام کرد که هیچ دیداری بین ایران و آمریکا برنامه‌ریزی نشده است. در همین راستا، خبرنگار المیادین در اسلام‌آباد بیان کرد که طرف ایرانی قبل از رفع محاصره آمریکا از نشست با طرف آمریکایی خودداری کرده و ایران بر این موضع پافشاری می‌کند. با این حال خبرگزاری صدا و سیما گزارش داد که عراقچی در دیدار با فرمانده ارتش پاکستان، دیدگاه‌ها و ملاحظاتی ایران برای پایان جنگ را منعکس کرد. در این دیدار پیرامون آخرین تحولات مرتبط با آتش‌سوزی و خاتمه جنگ تحمیلی آمریکا-اسرائیل علیه ایران و همکاری برای تقویت صلح و ثبات در منطقه غرب آسیا، بحث و تبادل نظر شد.

فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، که پیشتر به تهران سفر کرده بود ضمن قدردانی از اعتماد ایران به پاکستان به‌عنوان یک کشور همسایه و مسلمان جهت کمک به پیشبرد روند دیپلماتیک، آمادگی این کشور را برای تداوم تلاش‌های میانجی‌گرانه پاکستان تا حصول نتیجه اعلام کرد. هم‌زمان شبکه العربیه به نقل از یک منبع دیپلماتیک ایرانی اعلام کرد: «ما به پاکستان بر پایبندی مان به بندهای ده‌گانه تأکید کردیم. همچنین به رهبری پاکستان تأکید کردیم که بر پایان دادن به تهدیدها و محاصره پایبند هستیم». عراقچی به‌طور رسمی درخواست‌های ایران را به پاکستان تسلیم کرد و در مذاکراتی که آمریکا خطوط قرمز تعیین کند، ایران نخواهد نشست. وزیر خارجه ایران تأکید کرده که برای مذاکره آماده است اما هرگز تسلیم نخواهد شد. العربیه همچنین مدعی شده که تهران خواهان رفع محاصره دریایی همچنین توقف تهدیدات نظامی آمریکا شده است. نکته مهم در روزهای اخیر درباره مذاکرات، کمبود اطلاعات و نبود اخبار موثق از روند آن است. خبرنگار الجزیره در اسلام‌آباد گزارش داد که وزیر اطلاع‌رسانی پاکستان در روز جمعه به او گفته است که یک خاموشی عمدی بر اطلاعات حاکم است. وی افزود که دلیل این است که

همکاری‌های فیما بین دو کشور در حوزه‌های مختلف و نیز تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. عراقچی با قدردانی از تلاش‌های مجدانه مقام‌های ارشد دولت پاکستان برای خاتمه جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و برقراری آتش‌سوزی همچنین حسین مین‌بانی مذاکرات، مواضع اصولی کشورمان را در قبال آخرین تحولات مرتبط با آتش‌سوزی و خاتمه کامل جنگ تحمیلی علیه ایران تشریح کرد. وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به اهتمام مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور پزشکیان برای ارتقای همه‌جانبه روابط با همسایگان به‌ویژه پاکستان بر جایگاه ویژه پاکستان در سیاست و روابط خارجی ایران و اراده ایران برای توسعه بیش از پیش روابط بین دو کشور تأکید کرد. نخست‌وزیر پاکستان نیز با اشاره به عزم و اراده مقام‌های عالی دو کشور برای تداوم روند ارتقای روزافزون روابط و همکاری‌های دوجانبه و نیز هماهنگی و همکاری در سطح چندجانبه و سازمان‌های بین‌المللی، ابراز اطمینان کرد که این روند با قوت و در راستای منافع مشترک دو کشور همسایه و مسلمان تداوم خواهد یافت.

نقش کلیدی منیر

اما شاید مهم‌ترین بخش سفر عراقچی، دیدار با عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان باشد؛ فردی که به گفته سیدعباس موسوی، مسئول تشریفات ریاست جمهوری، به دلیل شیعه بودنش به جلب اعتماد ایران کمک کرد. عاصم منیر، فرزند یک معلم مدرسه در پاکستان است که در شهر راولپنڈی بزرگ شده است. او در دهه ۱۹۸۰ میلادی به عضویت ارتش پاکستان درآمد و در مدرسه نظامی منگلا آموزش دیده است. عاصم منیر پیش از این، از ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱ تا روز چهارشنبه ۲۳ نوامبر سال روان میلادی، به‌عنوان فرمانده ارتش راولپنڈی کار کرده است. او پیش از آن فرمانده ارتش در شمال پاکستان بود که مسئولیت منطقه مورد مناقشه کشمیر را بر دوش دارد. در سال ۲۰۱۷ او رئیس استخبارات داخلی ارتش یا آی‌اس‌آی تعیین شد و در سال ۲۰۱۸ از سوی عمران خان به‌عنوان رئیس آی‌اس‌آی انتخاب شد اما پس از آن، در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۹، عمران خان او را برکنار کرد. منیر سابقه نمایندگی ارتش پاکستان در عربستان سعودی و رابطه‌ای نزدیک با این کشور نیز دارد. اطلاعات محدودی از زندگی شخصی او منتشر شده است. منیر به دلیل تسلط بر قرآن و تلاوت آن در محافل عمومی به «ژنرال مولانا» یا «حافظ» معروف است و



از خواب بیدار شویم!

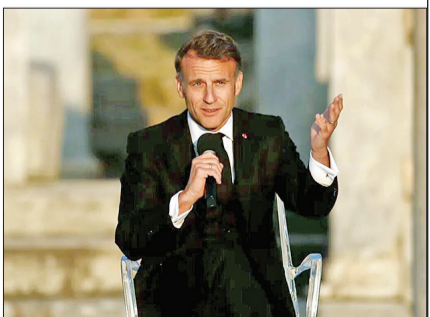
آمریکا، روسیه و چین همگی مخالف اروپا هستند

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در اظهاراتی با اشاره به تغییر رویکرد ایالات متحده در قبال اروپا در دوران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور، تأکید کرد: آمریکا می‌تواند، متحد برخی کشورهای باشد اما این متحد دیگر به اندازه گذشته قابل اعتماد نیست. مکرون در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد: درحال حاضر هیچ‌کس نمی‌تواند آمریکا را به‌عنوان متحدی که بتوان کاملاً بر روی آن حساب کرد، در نظر بگیرد.

رئیس‌جمهور فرانسه همچنین بیان اینکه این رویکرد ایالات متحده ادامه خواهد داشت، افزود: در دوره اول ترامپ، بسیاری از کشورهای اروپایی با این تصور که دوران ریاست جمهوری او تمام خواهد شد زیر بار انجام تغییرات نرفتند اما اکنون بسیاری از آنها واقع‌بین‌تر شده‌اند.

وی در ادامه با تأکید بر اینکه اکنون زمان آن فرا رسیده است که اروپایی‌ها از خواب بیدار شوند، گفت: ما نباید این موضوع را نادیده بگیریم که این یک لحظه بی‌نظیر است؛ لحظه‌ای که رؤسای جمهوری آمریکا، روسیه و چین همگی سرسختانه مخالف اروپایی‌ها هستند.

مکرون همچنین با اشاره به «ساده پنج» پیمان آتلانتیک شمالی که بر اساس آن حمله به یکی از اعضای ناتو، حمله به همه اعضای این اتحاد نظامی محسوب می‌شود و همه موظف به دفاع هستند، خاطر نشان کرد: اکنون در مورد ساده ۵ ناتو تردید وجود دارد و این تردید در عمل، این ائتلاف را تضعیف می‌کند. رئیس‌جمهور فرانسه در پایان با تأکید بر اینکه تبدیل شدن به یک قدرت واقعی چالش پیش‌روی اروپاست، گفت: ما باید به خودمان اعتماد کنیم و یک دستور کار ارائه دهیم زیرا اگر ما به خودمان باور نداشته باشیم، دیگران ما را به‌عنوان یک قدرت واقعی باور نخواهند کرد.



این وجهه مذهبی، پایگاه مردمی او را در میان طیف وسیعی از مردم پاکستان تقویت کرده است. به نوشته گاردین، «او در ایجاد روابط با رهبران و کشورها از طریق دیدارها و ارتباطات مکرر بسیار ماهر بوده است. او آدم بی‌خیالی نیست. کسی نیست که منتظر تماس بماند، همان‌طور که در فعالیت دیپلماتیک‌اش دیدیم، خودش تلفن را برمی‌دارد». نکته مهم برای نفوذ فعلی منیر به‌عنوان یک واسطه مورد اعتماد، نقش او در بازسازی روابط آمریکا و پاکستان در دوران دوم ترامپ از طریق ترکیبی از پیروزی‌های راهبردی، لابی‌گری، تعریف و تمجید و قراردادهای بود. او با تحویل چندین تروریست برجسته به آمریکا که به ایالات متحده استرداد شدند، یک پیروزی زود هنگام به ترامپ داد. سپس زمانی که آمریکا در خصومت‌های فزاینده بین هند و پاکستان در مه ۲۰۲۵ مداخله کرد، پاکستان به‌طور مفضل از ترامپ تشکر کرد و حتی او را برای جایزه صلح نوبل نامزد کرد. منیر با موفقیت توانست در آن مناقشه ادعای پیروزی کند و جایگاه خود را در داخل و خارج از کشور ارتقا دهد. دو ماه بعد و پس از صرف بیش از ۵ میلیون دلار توسط پاکستان برای لابی‌گرهای واشنگتن، منیر به کاخ سفید برای ناهاری خصوصی دعوت شد. به‌نظر می‌رسد، او با ترکیبی از تعریف و تمجید و فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور در پاکستان، از نفت گرفته تا مواد معدنی و رمزارز، رئیس‌جمهور آمریکا را مجذوب خود کرده بود. ترامپ آنقدر منیر را دوست داشت که طی چند ماه به‌طور رسمی دوباره به دفتر بیضی دعوت شد. رئیس‌جمهور آمریکا، او را با تحسین‌های پرشور غرق کرد و او را «مردی استثنایی»، «مبارزی بزرگ‌تر» و «فیلد مارشال محبوب من» خواند.

منیر همچنین در ارتباط و تعامل با نهاد نظامی ایران به‌خوبی ماهر است. درحالی که روابط اسلام‌آباد و تهران پس از حملات فرامرزی در ژانویه ۲۰۲۴ متزلزل بود، سال گذشته پس از محکومیت صریح پاکستان علیه اسرائیل، ابتدا به‌خاطر اقداماتش در غزه سپس برای حمله به ایران در طول جنگ ۱۲ روزه، حسن‌نیت تا حد زیادی بازسازی شد. احساسات عمومی در پاکستان به‌شدت طرفدار ایران باقی مانده است حتی در میان مسلمانان سنی. منیر «با شرایط سختی روبه‌رو بوده اما بسیار خوب بازی کرده است» به‌ویژه در برخورد چابکانه‌اش با دولت ترامپ و درک او از اهمیت دیپلماسی شخصیت‌محور. موفقیت این مذاکرات برای خود منیر همچنین برای تلاش پاکستان برای دیده شدن در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک همکار دیپلماتیک معتبر با نفوذ کافی برای هدایت ایران و آمریکا به سمت توافقی که فقط چند هفته پیش غیرممکن به‌نظر می‌رسید بسیار حیاتی است. اما فوری‌ترین موضوع برای ارتش و دولت پاکستان، نیاز مبرم به پایان دادن به جنگی است که در صورت تداوم، خطر ویرانی اقتصادی و امنیتی بیشتر برای پاکستان را به همراه دارد. او مردی است که احساس می‌کند در آینده در هر معماری امنیتی که در خاورمیانه شکل گیرد، نقش بسیار قوی‌تری خواهد داشت. پاکستان اکنون کاملاً آماده برای صلح‌سازی است. برای منیر، این در مورد ساختن یک روایت جهانی است.

ویترین

از بغداد تا تهران

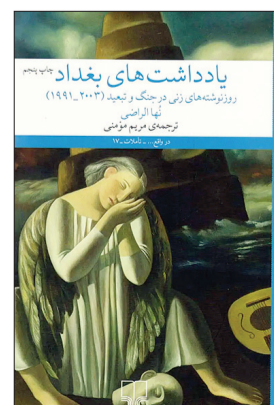
نگاهی به یادداشت‌های بغداد
روزنویشته‌های زنی در جنگ و تبعید



محمد نامینی

پژوهشگر جامعه‌شناسی

وقتی در «برهه حساس کنونی» ترین وضعیت نه «جنگ» نه «صلح» هستیم، «خواندن» پناهگاه آرامش‌بخشی است. خاورمیانه جایی است که در نیم قرن اخیر، جنگ‌های متعددی به خود دیده و مهم این است که «زندگی» هنوز جریان دارد. ۴۵ سال پیش، رژیم بعث عراق، جنگی را به میهن عزیزمان تحمیل کرد که ۸ سال به طول انجامید و در تابستان ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) پایان پذیرفت. قصه «یادداشت‌های بغداد» اما از زمستان ۱۹۹۱ آغاز می‌شود و تا زمستان ۲۰۰۳ امتداد می‌یابد؛ باز هم زمانی حدود ۸ سال از تاریخ مردم عراق در جنگی دیگر با ائتلافی به رهبری ایالات متحده آمریکا. ما ایرانی‌ها هم پس از سال‌ها کشمکش، دو ماهی می‌شود که در حال نبردی مشابه با آمریکا هستیم. نها الراضی (۱۹۴۱-۲۰۰۴) یکی از نقاش‌های نوگرا و سرشناس معاصر عراقی است که خاطرات و مشاهدات روزمره‌اش را در این ۸ سال به رشته تحریر درآورده است. او یک سال بعد از پایان کتابش، به خاطر آزارهای شتابنده، از دنیا می‌رود ولی یادگاری بی‌نظیری برای ما اهالی خاورمیانه از خود به جای می‌گذارد. بعضی روزها یک جمله، بعضی روزها هیچ و روزهایی هم چند صفحه می‌نویسد. الراضی، یادداشت‌ها را در ۴ فصل تنظیم کرده است: هتل پارادایزو، تحریم، تبعید و هویت. فصل نخست، به جنگ اول خلیج فارس اختصاص دارد. الراضی چنین می‌نویسد: «سه روز طول کشید تا واقعاً باور کنم جنگ به‌راستی شروع شده و خواب نمی‌بینم. تصمیم گرفتم برای ثبت اتفاقاتی که برای من می‌افتد، آن‌ها را در دفتر یادداشت‌های روزانه‌ام بنویسم. هرچه باشد، این جور چیزها هر روز اتفاق نمی‌افتند.» با آغاز جنگ، تعدادی از بستگان نویسنده، از پایتخت خارج می‌شوند و به شهرهای دیگر پناه می‌برند؛ مشابه آنچه ما در جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه خودمان تجربه کردیم. چهل و چند روزی پای پای زندگی خود و اطرافیان و وضعیت شهر و ترس‌ها، غم‌ها و حتی ششادی و شگفتی‌هایش می‌نویسد. جنگ موجود عجیبی است. مثل هیولایی که همه چیز را می‌بلعد ولی زندگی از جنگ قوی‌تر است و ادامه می‌یابد... فصل دوم به وضعیت عراق در تحریم می‌پردازد. از جنگ نخست، سه سالی گذشته و کشور جنگ‌زده با تحریم، فرسوده‌تر می‌شود. کار به جایی می‌رسد که نویسنده می‌گوید: «هیچ‌کس پول ندارد ماشینش را درست کند و من هم دیگر نمی‌توانم قطعات اسقاطی ماشین پیدا کنم. گفته‌اند به زودی دیگر پولی برای بنزین نخواهند داشت و من گفتم: خب، این پایانی است برای همه، چون تنها چیز ارزانی بود که در این کشور باقی مانده بود.» در فصل سوم، نویسنده تکاپویی را روایت می‌کند که در کشور اردن تجربه کرده است. برای برگزاری نمایشگاهی از آثارش به شهر عمان رفته و علاوه بر آن با مشکلات مربوط به تمدید گذرنامه و آزمایش‌های پزشکی دست و پنجه نرم می‌کند. آنجا با دوستان تبعیدی دیگر، از احساس‌شان می‌گویند و رنجی که از دوری وطن می‌برند. نویسنده، فصل چهارم را هویت می‌نامد. چرا که از بیروت تا لندن و نیویورک، از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۳ و آغاز جنگ دوم خلیج فارس، دائم در جست‌وجوی خوشین خویش و سرزمینش عراق بوده است و پرسش‌های زیادی در سر دارد. از جمله: «آیا سازمان ملل آمریکا را به دلیل داشتن سلاح‌های کشتار جمعی تحریم می‌کند؟ یا این که استاندارد دوگانه می‌شود؟ در دوازده سال گذشته که عراق در تحریم بوده، آمریکا و انگلیس مناطق پرواز ممنوع عراق را تقریباً هر روز بمباران کرده‌اند. عراق حتی یک جت را هم نتوانسته سرنگون کند و هیچ خسارتی هم به هیچ کشور دور و نزدیکی وارد نکرده. چه‌طور است که الان خطر بزرگی برای دنیا محسوب می‌شود؟» به قول اهل نظر، هیچ تشبیهی بی‌نقص نیست؛ هر مثالی بخشی از حقیقت را روشن می‌کند و بخشی را پنهان. با این حال، انگار ما هم این روزها، بخشی از این کتاب را زندگی می‌کنیم. روزهایی که بالاخره سپری می‌شوند و از دل آن‌ها قصه‌هایی پر آب چشم از رویاهایی می‌توان نوشت که قدرت‌ها تباهاشان کردند. همچنان که ۳۳ سال از جنگ عراق و ائتلاف می‌گذرد و عراق هم‌چنان باقی است؛ ایران عزیز ما هم سربلند باقی می‌ماند و کودکانش باز هم رنگ آرامش و آسایش را می‌بینند و دست به دست هم، می‌سازندش...



یادداشت‌های بغداد

روزنویشته‌های زنی در جنگ و تبعید (۱۹۹۱-۲۰۰۳)
نھا الراضی
ترجمه مریم مومنی
نشر چشمه
۲۷۴ صفحه
۲۹۰۰۰۰ تومان

غول ادبیات

دیوید معلوف نویسنده مشهور استرالیایی درگذشت

او سال ۱۹۶۸ به استرالیا بازگشت و در دانشگاه سیدنی شروع به تدریس کرد. کمی بعد، در سال ۱۹۷۰، اولین مجموعه شعر خود را با عنوان «دوچرخه و اشعار دیگر» منتشر کرد.

انفجار شعر و صبوری رمان

معلوف سال ۲۰۱۶ در گفت‌وگو با بخش «کتاب‌ها و هنرهای» رادیو ملی ABC، درباره تمایز بین نوشتن شعر - به عنوان عشق اولش - و نثر گفت: «شعر به نوعی انرژی نیاز دارد که فوری است؛ وقتی می‌نشینم و اولین پیش‌نویس را می‌نویسم، اغلب به صورت انفجاری از انرژی ظاهر می‌شود، اگرچه ممکن است مدت زیادی هفته‌ها، ماه‌ها، حتی سال‌ها - صرف کنی تا آن پیش‌نویس اول را به شکل چیزی که فکر می‌کنی نه یک شعر تمام‌شده، بلکه یک شعر نهایی است، درآوری. انرژی مورد نیاز برای خلق یک رمان کاملاً متفاوت است؛ این یک کار بسیار صبورانه است که در آن هر روز صبح پشت میز می‌نشینم و به تدریج کشف می‌کنم که با چه روبه‌رو

دیوید جورج جوزف معلوف، نویسنده سرشناس استرالیایی و خالق رمان‌های تحسین‌شده‌ای چون «خاطره بابل» (نامزد جایزه بوکر) و «باج»، در سن ۹۲ سالگی درگذشت. انتشارات پنگوئن رندوم هاوس استرالیا در بیانیه‌ای اعلام کرد که دیوید معلوف، نویسنده تحسین‌شده استرالیایی و خالق آثاری از جمله «باج»، «یک زندگی خیالی» و «خاطره بابل» که نامزد جایزه بوکر بود، در سن ۹۲ سالگی درگذشت. در بیانیه ناشر این نویسنده آمده است: «ما عمیقاً متأثریم که اعلام کنیم دیوید معلوف، نویسنده و شاعر، از دنیا رفته است. او در حوزه‌های ادبیات داستانی، غیرداستانی، شعر، لیبرتو (اپرانامه) و نمایش‌نامه نوشت. او غولی در ادبیات بود که تأثیرش بر فرهنگ استرالیا غیرقابل اندازه‌گیری است.» معلوف سال ۱۹۹۷ به عنوان گنجینه ملی زنده استرالیا شناخته شد و سال ۲۰۱۶ جایزه مادام‌المر عمر شورای استرالیا را دریافت کرد و به عنوان نامزد نوبل معرفی شده بود.

دیوید معلوف ۲۰ مارس ۱۹۳۴ در بریزبن، از پدري لبنانی-استرالیایی و مادری انگلیسی‌ال‌اصل با تبار پرتغالی به دنیا آمد. این مادرش بود که در پسر اهل کتابش، عشق عمیقی به ادبیات، به‌ویژه آثار کلاسیک انگلیسی، را پرورش داد. از سنین پایین به کتاب‌خوانی مشتاق بود و از ۱۰ سالگی مجموعه آثار شکسپیر را خواند. پس از دریافت مدرک هنر از دانشگاه کوئینزلند در سال ۱۹۵۵، معلوف در ۲۴ سالگی استرالیا را ترک کرد و به عنوان معلم در انگلستان مشغول کار شد. او یک دهه خارج از کشور زندگی و به اروپا سفر کرد و مجذوب هنر و معماری آنجا شد. نوشتن را با شعر آغاز کرد و اولین اثر او در سال ۱۹۶۲ منتشر شد. او هم‌چنین به عنوان نویسنده‌ای بااستعداد در داستان‌های کوتاه شناخته می‌شد و ۵ مجموعه را طی سه دهه منتشر کرد.

گزارش: موسیقی ایران

پُست‌پانگ در تهران

بازگشت جنجالی کینگ‌رام میان جنگ، حاشیه و خاطرات تلخ

روز جمعه، چهارم اردیبهشت‌ماه، یک اتفاق جالب در تهران رخ داد؛ در روزهای آتش‌بس و در حالی که رویدادهای فرهنگی، در تلاش برای بیرون آمدن از یک رخوت و خواب طولانی هستند، کینگ‌رام اولین کنسرت موسیقی را برگزار کرد.

بازگشت رامین

بازگشت رامین سیدامامی که نام هنری‌اش کینگ‌رام است، به ایران، یک اتفاق پرسر و صدا بود و دریافت مجوز کنسرتش اتفاقی جالب‌تر. چهارشنبه هفته گذشته بود که اعلام شد، مجوز لازم برای اجرای کنسرت کینگ‌رام در مجموعه تئاتر لیخند صادر شده و ساعتی بعد نیز اعلام شد که بلیت‌های سه روز اول این اجرا به قول معروف سولد‌آوت شده است. موضوعی که خیلی زود در فضای مجازی و میان کاربران، دستمایه نقدهای منفی و مثبت قرار گرفت. بخشی از انتقادهای منفی که نسبت به کنسرت کینگ‌رام و صدور مجوز او مربوط می‌شد، به‌خاطر سابقه خانوادگی و البته فعالیت‌های خود او بود. موضوعی که حالا و بعد از اولین اجرای کینگ‌رام در تهران، که در آرامش و بدون حاشیه برگزار شد، به‌منظر چندان مورد توجه نیست.

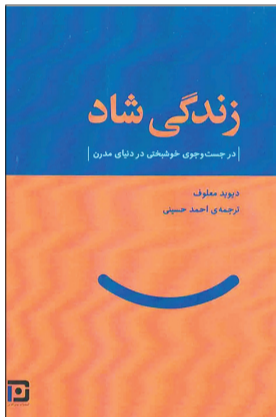
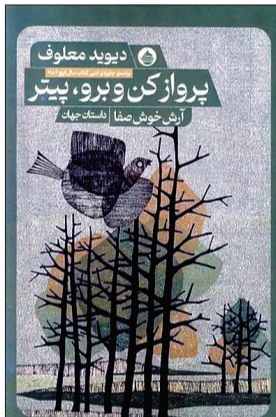
اجرا در سالن تئاتر

همانطور که در خبرها آمده بود، سه روز اول کنسرت کینگ‌رام که در مجموعه‌ای در مرکز تهران، برگزار می‌شد، در همان دو ساعت ابتدایی که بلیت‌فروشی باز شد، به فروش رفت. اتفاق جالب توجه این است که او اولین اجرایش بعد از بازگشت به ایران را، در یک سالن تئاتری برگزار کرد. جایی که اولین حضورش در اوایل دهه نود در ایران را از آنجا آغاز کرده بود؛ سالن نمایش. با این‌وجود، استقبال بسیار خوب از کنسرت او از سوی علاقه‌مندان و خرید تمامی بلیت‌های روزهای اول، باعث شد که برخی سانس‌ها تمدید شوند و از این‌رو علاقه‌مندان به این خواننده می‌توانند برای سانس دیروقت روزهای پنج‌شنبه و جمعه و شنبه آینده اقدام کنند. ماجرا زمانی جالب می‌شود که بدانیم، بلیت کنسرت کینگ‌رام از یک میلیون تومان تا

هستی و ممکن است ماه‌ها یا حتی یک یا دو سال طول بکشد تا اثر به دست آید. حرفه ادبی معلوف از زمانی آغاز شد که اولین اثرش به عنوان شاعر سال ۱۹۶۲ منتشر شد. او در ادامه ۷ رمان، یک رمان کوتاه، داستان‌های کوتاه متعدد و مجموعه‌های شعر و بسیاری از آثار غیرداستانی منتشر کرد. او که عاشق موسیقی بود، به عنوان منتقد اپرا برای روزنامه «نشنال تایمز» فعالیت می‌کرد و لیبرتوی اپرای واس، اقتباس ریچارد میل از رمان پاتریک وایت در سال ۱۹۸۶، را با سفارش اپرای استرالیا نوشت. معلوف سال‌ها در رفت و آمد بین سیدنی و توسکانی بود و بعدها به کوئینزلند بازگشت. او در مقاله‌ای که در کتابی با عنوان «زندگی نویسنده‌ای» در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد، توضیح داد که چگونه نویسنده‌ای را به عنوان یک فعالیت منفعل و تقریباً معنوی تجربه کرده است و نوشت: «این نوشتن است که نویسنده را شکل می‌دهد و هدایت می‌کند، نه برعکس.»

یک کارنامه پر از جایزه

دیوید معلوف که سال ۲۰۰۸ به عنوان عضو انجمن سلطنتی ادبیات لندن انتخاب شد، با مجموعه شعر «همسایه‌ها در بیشه: اشعار» در سال ۱۹۷۴ جایزه شعر «گریس لون» و مدال طلای انجمن ادبیات استرالیا را از آن خود کرد. «یک زندگی خیالی» که داستانی درباره شاعر رومی، اووید بود، سال ۱۹۷۹ جایزه ادبی نخست وزیر نیو ساوت ولز را از آن خود کرد، در حالی که رمان کوتاه او با عنوان «پیترا راها کن» در سال ۱۹۸۲ به عنوان کتاب سال «سن» انتخاب شد. رمان «دنیای بزرگ» او که سال ۱۹۹۰ منتشر شد و زمانی حماسی است که ۷۰ سال و دو جنگ جهانی را در بر می‌گیرد، جوایز متعددی از جمله جایزه مایلز فرانکلین در سال ۱۹۹۱ و جایزه فینیا اترانگر را از آن خود کرد.





سال نهم شماره ۲۲۱۵ یک‌شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

زهمه‌های قطعی برق

آیا در تابستان با جیره‌بندی برق مواجه می‌شویم؟

کریم بحرینی

تحلیلگر انرژی

رئیس‌جمهوری از مردم خواسته که پس از آسیب دیدن زیرساخت‌های انرژی کشور در پی حملات آمریکا و اسرائیل، مصرف برق خود را کاهش دهند. آقای پزشکیان با بیان اینکه دولت قصد دارد مصرف برق را کنترل کند، گفته: به‌جای روشن کردن ۱۰ چراغ در خانه، دو چراغ روشن کنید. چه اشکالی دارد؟

این اظهارات درحالی‌که رفته‌رفته به فصل گرما نزدیک می‌شویم، نشان می‌دهد که رئیس‌جمهوری احتمال می‌دهد که مصرف برق در فصل گرما از میزان تولید پیشی گیرد. به این ترتیب به احتمال زیاد با قطعی برق در فصل تابستان مواجه خواهیم بود.

این درحالی است که پیش از این آقای پزشکیان خبر داده بود که به دلیل به ثمر نشستن سرمایه‌گذاری در تولید برق خورشیدی امسال قطعی برق نخواهیم داشت. تأکید رئیس‌جمهوری بر صرفه‌جویی، این پیام را منتقل می‌کند که دولت احتمال عبور مصرف از ظرفیت تولید را جدی می‌داند و در حال آماده‌سازی افکار عمومی برای شرایطی دشوارتر است. در سال‌های اخیر شکاف میان عرضه و تقاضای برق در ایران به‌تدریج افزایش یافته است. رشد مصرف، به‌ویژه در بخش خانگی و صنعتی هم‌زمان با فرسودگی بخشی از نیروگاه‌ها، محدودیت در سرمایه‌گذاری و مشکلات تأمین سوخت، باعث شده حاشیه اطمینان شبکه کاهش یابد. در چنین شرایطی هر عامل بیرونی مانند آسیب به زیرساخت‌ها یا کاهش راندمان تولید، می‌تواند این تعادل شکننده را برهم بزند. اشاره به حملات خارجی و تأثیر آن بر زیرساخت‌های انرژی نیز نشان می‌دهد که دولت بخشی از این نگرانی را ناشی از اختلالات اخیر می‌داند هرچند ارزیابی دقیق میزان این آسیب‌ها به‌طور عمومی منتشر نشده است. از سوی دیگر، تناقض ظاهری میان وعده‌های قبلی درباره عدم قطعی برق و توصیه‌های فعلی برای کاهش مصرف، پرسش‌هایی را درباره میزان تحقق برنامه‌های توسعه‌ای، به‌ویژه در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، ایجاد کرده است. توسعه برق خورشیدی اگرچه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته اما سهم آن در سبد انرژی کشور همچنان محدود است و به‌تنهایی نمی‌تواند در کوتاه‌مدت پاسخگوی رشد سریع تقاضا باشد.

بنابراین حتی اگر پروژه‌هایی در این حوزه به بهره‌برداری رسیده باشند، اثر آنها بیشتر تدریجی است تا فوری. با نزدیک شدن به تابستان، الگوی مصرف برق در ایران به‌طور سنتی با جهش قابل توجهی همراه می‌شود. استفاده گسترده از وسایل سرمایشی، به‌ویژه در مناطق گرم‌سیری، بار شبکه را به‌شدت افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، اگر ظرفیت تولید به‌میزان کافی افزایش نیافته باشد یا بخشی از آن به دلایل فنی یا سوختی از مدار خارج شود، احتمال بروز خاموشی‌ها بالا می‌رود. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده که در دوره‌های اوج مصرف اعمال محدودیت‌هایی در برق صنایع و حتی مشترکان خانگی دور از انتظار نیست. با این حال اینکه آیا جیره‌بندی برق در تابستان قطعی است به مجموعه‌ای از عوامل بستگی دارد و نمی‌توان با قطعیت درباره آن حکم داد. مدیریت مصرف یکی از کلیدی‌ترین ابزارهایی است که دولت‌ها در چنین شرایطی به کار می‌گیرند. اگر سیاست‌های تشویقی و محدودکننده بتواند مصرف را در ساعات اوج کنترل کند، ممکن است از بروز خاموشی‌های گسترده جلوگیری شود. همچنین نحوه مدیریت شبکه، توزیع بار میان بخش‌های مختلف و استفاده از ظرفیت‌های اضطراری، نقش مهمی در عبور از دوره اوج مصرف دارد. در عین حال وضعیت منابع آبی نیز بر تولید برق تأثیرگذار است زیرا بخشی از برق کشور از نیروگاه‌های برق‌آبی تأمین می‌شود. در صورت کاهش ذخایر سدها، این ظرفیت نیز محدودتر خواهد شد و فشار بیشتری بر سایر نیروگاه‌ها وارد می‌کند. علاوه بر این، تأمین پایدار سوخت نیروگاه‌های حرارتی، به‌ویژه گاز، در ماه‌های گرم اهمیت ویژه‌ای دارد؛ هرگونه اختلال در این حوزه می‌تواند به کاهش تولید منجر شود. در مجموع شواهد نشان می‌دهد که احتمال بروز محدودیت در تأمین برق در تابستان پیش‌رو قابل توجه است اما میزان و گستره آن به نحوه مدیریت شرایط بستگی دارد. اظهارات اخیر مسعود پزشکیان را می‌توان پیش از آنکه اعلام قطعی جیره‌بندی تلقی کرد، نوعی هشدار پیش‌دستانه و تلاش برای همراه کردن افکار عمومی در مدیریت مصرف دانست. اگر این همراهی شکل بگیرد و هم‌زمان اقدامات مدیریتی مؤثر اجرا شود، ممکن است خاموشی‌ها محدود و مقطعی باقی بماند؛ در غیر این صورت شبکه برق با چالش‌های جدی‌تری مواجه خواهد شد که می‌تواند به خاموشی‌های گسترده‌تر منجر شود.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

نوشداروی پایان تحریم‌ها

رفع تحریم‌ها چه کمکی به اقتصاد ایران می‌کند؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

برای بیکر نیمه‌جان اقتصاد ایران که در حال حاضر با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند همه چیز در رفع فوری تحریم‌ها خلاصه می‌شود. اگر مذاکرات پاکستان به توافق منجر شود اما تحریم‌ها برداشته نشود، می‌توان گفت که اقتصاد ایران عملاً چیزی به‌دست نیاورده است اما اگر توافق منجر به رفع تحریم‌ها شود، آنگاه می‌توان امیدوار بود که اقتصاد ایران می‌تواند در یک فرآیند سریع زخم‌هایش را ترمیم کند.

به عقیده تحلیلگران، اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و بیرونی مواجه بوده که به‌معنای واقعی توان این اقتصاد را گرفته‌اند. از محدودیت‌های شدید در دسترسی به منابع ارزی گرفته تا کاهش سرمایه‌گذاری، افت رشد اقتصادی و افزایش تورم. در چنین شرایطی، رفع تحریم‌ها می‌تواند به‌عنوان یک محرک مهم مسیر بهبود را هموار کند اما چنانکه محمدمهدی بهکیش می‌گوید به‌تنهایی کافی نیست و نیازمند سازوکارهایی برای بهبود حکمرانی و سازوکار تصمیم‌گیری است. در صورت رفع تحریم‌ها، نخستین اثر قابل توجه، افزایش صادرات نفت و دسترسی آسان‌تر به درآمدهای ارزی خواهد بود. این موضوع به دولت امکان می‌دهد تا منابع مالی بیشتری برای مدیریت بودجه، کنترل نوسانات ارزی و تأمین کالا‌های اساسی در اختیار داشته باشد. همچنین با کاهش محدودیت‌های بانکی، ارتباط با نظام مالی بین‌المللی تسهیل می‌شود و هزینه مبادلات تجاری کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، رفع تحریم‌ها می‌تواند زمینه‌ساز ورود سرمایه‌گذاران خارجی و انتقال فناوری‌های نوین شود. این امر نه‌تنها به افزایش تولید و اشتغال کمک می‌کند بلکه بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی را نیز ارتقا می‌دهد. بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش اطمینان فعالان اقتصادی نیز از پیامدهای مهم این وضعیت است که می‌تواند، سرمایه‌های داخلی را نیز به سمت تولید هدایت کند.

با این حال مکانیسم درمان اقتصاد ایران صرفاً در رفع تحریم‌ها خلاصه نمی‌شود. برای دستیابی به بهبود پایدار اصلاحات ساختاری ضروری است. کنترل تورم از طریق سیاست‌های پولی و مالی منضبط، کاهش وابستگی بودجه به نفت، اصلاح نظام بانکی، افزایش شفافیت اقتصادی و مبارزه با فساد از جمله اقداماتی هستند که باید هم‌زمان دنبال شوند. همچنین حمایت هدمند از تولید داخلی، بهبود نظام مالیاتی و تسهیل مقررات کسب‌وکار می‌تواند به تقویت بخش خصوصی و افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد کمک کند. در واقع رفع تحریم‌ها می‌تواند مانند باز شدن یک گره بزرگ عمل کند و فرصت تنفس به اقتصاد بدهد اما استفاده مؤثر از این فرصت

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

امید به باران

چرا نباید به بارندگی‌های اخیر دل خوش کنیم؟

جواد یاسوجی

تحلیلگر اقتصاد

باران‌های ییابی، خیابان‌ها را شست و سدها را تا حدی جان داد. با وقوع این لحظه‌های کم‌تکرار در اقلیم ایران، این تصور شکل گرفت که شاید بحران آب عقب نشسته است. اما زیر این سطح امیدوارکننده، واقعیتی سخت‌تر جریان دارد. اینکه سفره‌های زیرزمینی هنوز تشنه‌اند و سال‌های خشکسالی، زخمی عمیق بر منابع آب گذاشته‌اند. حالا پرسش این است که چگونه می‌توان مصرف آب را طوری مدیریت کرد که این نفس تازه به یک بهبود پایدار تبدیل شود، نه فقط وقفه‌ای کوتاه در یک بحران طولانی. واقعیت این است که بارندگی‌های قابل‌توجه در دو ماه گذشته اگرچه تا حدی منابع آبی را ترمیم کرده و از شدت تنش کاسته اما واقعیت این است که این میزان بارش نمی‌تواند، کسری‌های انباشته‌شده طی سال‌های خشک

نیازمند مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی دقیق است. اگر این شرایط با اصلاحات داخلی همراه شود، می‌توان انتظار داشت که اقتصاد ایران در مسیر رشد پایدار و متوازن قرار گیرد؛ در غیر این صورت، اثرات مثبت آن موقتی و محدود خواهد بود. به همین دلیل است که برخی اقتصاددانان بر این باورند که ریشه اصلی مشکلات اقتصادی ایران نه صرفاً در تحریم‌ها بلکه در ضعف‌های عمیق در نظام حکمرانی اقتصادی نهفته است و باز به همین دلیل تأکید می‌کنند که اصلاح این ساختارها باید مقدم بر رفع تحریم‌ها قرار گیرد. استدلال محوری آنها این است که حتی اگر تحریم‌ها به‌طور کامل برداشته شوند، در غیاب یک نظام حکمرانی کارآمد، شفاف و پاسخگو، منابع جدید نیز به‌درستی تخصیص نخواهند یافت و فرصت بهبود پایدار از دست می‌رود. این گروه از اقتصاددانان به تجربه‌های گذشته اشاره می‌کنند به‌ویژه دوره‌هایی که درآمدهای نفتی افزایش یافت اما به‌دلیل نبود سازوکارهای نظارتی مؤثر و سیاستگذاری منسجم، بخش قابل‌توجهی از این منابع صرف هزینه‌های غیرمولد شد. از نگاه آنان، مشکل اصلی در نحوه تصمیم‌گیری، ضعف هماهنگی میان نهادها و غلبه نگاه کوتاه‌مدت بر سیاست‌های اقتصادی است. در چنین شرایطی حتی دسترسی به منابع ارزی بیشتر نیز می‌تواند به تشدید تورم، گسترش رانت و افزایش نابرابری منجر شود. چنانکه محمدمهدی بهکیش شرح می‌دهد، یکی از استدلال‌های مهم این دیدگاه، ناکارآمدی نظام بودجه‌ریزی و وابستگی مزمن آن به درآمدهای نفتی است. در غیاب اصلاحات ساختاری، افزایش درآمدهای ناشی از رفع تحریم‌ها می‌تواند دوباره اقتصاد را به سمت وابستگی بیشتر به نفت سوق دهد و انگیزه برای اصلاحات ضروری را کاهش دهد. این پدیده که گاه از آن به‌عنوان نفرین منابع یاد می‌شود، نشان می‌دهد که وفور منابع در صورت نبود حکمرانی مناسب لزوماً به توسعه اقتصادی منجر نمی‌شود. همچنین این اقتصاددانان بر اهمیت شفافیت و مقابله با فساد تأکید دارند. آنها معتقدند که در یک نظام اقتصادی که اطلاعات به‌صورت نامتقارن توزیع می‌شود و نظارت کافی وجود ندارد، منابع آزاد شده پس از رفع تحریم‌ها ممکن است به‌جای هدایت به سمت تولید و سرمایه‌گذاری در مسیرهای غیرشفاف و غیرمولد قرار گیرد. بنابراین بدون اصلاح نظام نظارتی و تقویت نهادهای ضدفساد، اثر مثبت رفع تحریم‌ها محدود و حتی در برخی موارد معکوس خواهد بود. از منظر این دیدگاه که ولی‌الله سیف آن را نمایندگی می‌کند، اصلاح نظام بانکی نیز از اولویت‌های اساسی است. شبکه بانکی ایران با چالش‌هایی مانند مطالبات معوق، بنگاهداری و ضعف در مدیریت ریسک مواجه است. در چنین شرایطی ورود منابع جدید بدون اصلاح این نظام می‌تواند به تخصیص نادرست اعتبارات و تشدید بی‌ثباتی مالی منجر شود. به همین ترتیب، اصلاح سیاست‌های ارزی و ایجاد یک نظام ارزی باثبات و شفاف نیز برای جلوگیری از شوک‌های اقتصادی

ضروری است. این گروه همچنین بر اهمیت بهبود فضای کسب‌وکار تأکید دارند. از نگاه آنها موانع اداری، مقررات پیچیده و عدم ثبات در سیاستگذاری از جمله عواملی هستند که مانع جذب سرمایه‌گذاری و رشد تولید می‌شوند. حتی در صورت رفع تحریم‌ها، اگر این موانع برطرف نشوند، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تمایل چندانی به فعالیت در اقتصاد ایران نخواهند داشت. استدلال این اقتصاددانان بر این پایه استوار است که رفع تحریم‌ها یک فرصت است نه راه‌حل. اگر این فرصت در بستری از حکمرانی ناکارآمد قرار گیرد نه‌تنها به بهبود پایدار منجر نمی‌شود بلکه می‌تواند، مشکلات موجود را تشدید کند. بنابراین آنها معتقدند که اصلاح نظام حکمرانی اقتصادی شامل شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی نهادی و ثبات در سیاستگذاری باید در اولویت قرار گیرد تا در صورت رفع تحریم‌ها، اقتصاد بتواند از این شرایط به‌طور مؤثر بهره‌برداری کند و در مسیر توسعه پایدار قرار گیرد.

اقتصاددانان می‌گویند اگر تحریم‌ها برداشته شود، در کوتاه‌مدت، انتظار می‌رود با افزایش صادرات نفت و دسترسی به منابع ارزی بلوکه‌شده، فشار بر بازار ارز کاهش یابد و ثبات نسبی در نرخ ارز ایجاد شود. این وضعیت می‌تواند به کنترل تورم، بهبود قدرت خرید خانوارها و کاهش نااطمینانی در فضای اقتصادی کمک کند. همچنین تسهیل مبادلات بانکی و تجاری، هزینه واردات مواد اولیه و کالا‌های واسطه‌ای را کاهش داده و به رونق نسبی تولید منجر می‌شود. رئیس‌کل سابق بانک مرکزی معتقد است؛ با کاهش ریسک‌های سیاسی و اقتصادی، زمینه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت شرکت‌های بین‌المللی فراهم می‌شود. این امر می‌تواند به انتقال فناوری، افزایش بهره‌وری و توسعه زیرساخت‌ها کمک کند. بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش تعامل با اقتصاد جهانی نیز می‌تواند، صادرات غیرنفتی را تقویت کرده و تنوع‌بخشی به اقتصاد را سرعت ببخشد. با این حال پایداری این چشم‌انداز به نحوه مدیریت داخلی بستگی دارد. اگر منابع جدید صرف هزینه‌های جاری و سیاست‌های کوتاه‌مدت شود، آثار مثبت رفع تحریم‌ها به‌سرعت از بین خواهد رفت. در مقابل، اگر این منابع به سمت سرمایه‌گذاری مولد، اصلاح زیرساخت‌ها و تقویت بخش خصوصی هدایت شود، می‌توان انتظار رشد اقتصادی پایدارتر و اشتغال‌زایی گسترده‌تری داشت. به عقیده بهکیش، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده، اجرای اصلاحات وابستگی به نفت، بهبود نظام مالیاتی و افزایش شفافیت اقتصادی. در چنین شرایطی، رفع تحریم‌ها می‌تواند به نقطه عطفی برای بازگشت اقتصاد ایران به مسیر رشد پایدار تبدیل شود. در غیر این صورت، این فرصت ممکن است به یک دوره رونق کوتاه‌مدت محدود شود که تأثیر عمیقی بر حل مشکلات بنیادین اقتصاد نخواهد داشت.

آب به‌گونه‌ای که مصرف‌کنندگان پرمصرف هزینه واقعی‌تری پرداخت کنند، می‌تواند انگیزه صرفه‌جویی را افزایش دهد. در کنار آن، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی درباره وضعیت منابع آبی و پیامدهای مصرف بی‌رویه، نقش مهمی در تغییر رفتار عمومی دارد. استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف، بازچرخانی آب در ساختمان‌ها و کاهش هدررفت در شبکه‌های توزیع نیز از دیگر اقدامات ضروری در این حوزه است. در سطح کلان، کاهش تلفات در شبکه‌های انتقال و توزیع آب اهمیت زیادی دارد چراکه بخشی از آب پیش از رسیدن به مصرف‌کننده از دست می‌رود. سرمایه‌گذاری در نوسازی زیرساخت‌ها و استفاده از فناوری‌های هوشمند برای پایش مصرف، می‌تواند به افزایش بهره‌وری کمک کند. همچنین توسعه بازچرخانی و استفاده مجدد از پساب‌های تصفیه‌شده، به‌ویژه در صنعت و فضای سبز شهری، یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش فشار بر منابع آب شیرین است. به عقیده اقتصاددانان، مدیریت پایدار آب نیازمند هماهنگی میان سیاستگذاری، فناوری و مشارکت عمومی است. بارش‌های اخیر می‌تواند، فرصتی برای تنفس کوتاه‌مدت ایجاد کند اما اگر این فرصت به اصلاح الگوهای مصرف و تقویت سازوکارهای مدیریتی منجر نشود، کشور دوباره با همان چرخه کم‌آبی مواجه خواهد شد. تنها از طریق مجموعه‌ای از اقدامات هم‌زمان از اصلاح کشاورزی تا بهبود حکمرانی آب، می‌توان مصرف را بهینه کرد و از منابع محدود به‌صورت پایدار بهره برد.

تب گرانی کاغذ

اثرات مهیب جنگ بر صنعت نشر



جامعه به تأمین نان و روغن محدود می‌شود، خرید کتاب ۴۰۰ هزار تومانی برای یک اثر ۲۰۰ صفحه‌ای یا روزنامه‌ای که قیمت آن هر روز در حال تغییر است از اولویت‌های آخر سبب خانوار نیز حذف می‌شود. خطر بزرگ اینجاست که حتی با بهبود احتمالی شرایط اقتصادی در آینده، بسیاری از این مشاغل به دلیل فرسودگی ماشین‌آلات و کوچ اجباری نیروی متخصص به مشاغل دیگر هرگز به چرخه تولید بازنگردند.

به گزارش سازندگی؛ صنعت چاپ و نشر ایران اکنون در سیاه‌ترین روزهای تاریخ معاصر خود قرار دارد. قیمتی که از ۱۲۰ هزار تومان قبل از جنگ به ۱۶۰ هزار تومان در زمان آتش‌سوزی رسیده، تنها یک عدد نیست؛ بلکه ناقوس مرگی است برای صنفی که بدون حمایت دولت و در سایه محاصره و جنگ، آخرین نفس‌های خود را زیر فشارهای سنگین اقتصادی می‌کشد. بدون مداخله فوری و تخصیص سهمیه‌های اضطراری به‌زودی باید شاهد خاموشی دائمی دستگاه‌های چاپی باشیم که دهه‌ها حافظ حافظه جمعی و فرهنگی این مرز و بوم بوده‌اند.

بی‌نتیجه ماندن مذاکرات، انتظارات توری را به شکلی هدایت کرده که حتی در دوران آتش‌سوزی نیز هیچ چشم‌انداز روشنی برای ثبات قیمت‌ها وجود ندارد.

در این میان، دولت در برابر بی‌کاری گسترده در صنف چاپ و نشر سکوت پیشه کرده است. نه از تسهیلات حمایتی خبری هست و نه از تخفیف‌های مالیاتی برای مشاغلی که در آستانه نابودی مطلق قرار دارند. سکوت دولت در برابر فروپاشی این زنجیره تنها به بی‌کاری روزنامه‌نگاران و کتاب‌فروشان ختم نمی‌شود؛ بلکه لایه‌های پنهان این صنعت از جمله کارگران چاپخانه‌ها، لیتوگرافی‌ها، کادر توزیع، سازمان‌های آگهی و هزاران نفر که در پشت صحنه تولید کتاب و مطبوعات فعالیت می‌کنند اکنون با سفره‌هایی خالی مواجهند.

کتاب اولویت آخر می‌شود

بحران فعلی فراتر از یک نوسان قیمتی ساده است؛ ما با یک «تغییر ذائقه اجباری» مواجه هستیم. وقتی اولویت معیشتی

کاغذ دولتی به رسانه‌ها و مطبوعات متوقف شده است. درحالی که پیش از این کاغذ دولتی با قیمت ۸ تا ۱۰ هزار تومان به دست اهالی رسانه می‌رسید اکنون شکاف میان قیمت دولتی سابق و نرخ ۱۶۰ هزار تومانی فعلی هرگونه توجیه اقتصادی برای چاپ روزنامه و مجله را از بین برده است. امروز در بازار آزاد، نه تنها کاغذ بلکه ملزومات اساسی دیگر مانند مایع زینک برای چاپ نیز به دلیل محاصره دریایی و اولویت‌بندی ارز برای کالاهای اساسی و مواد غذایی به شدت کمیاب شده است. در شرایطی که هزینه‌های لجستیک و حمل‌ونقل کالا از بنادر جنوبی به مرکز کشور به دلیل شرایط جنگی و کمبود سوخت سر به فلک کشیده، صنعت چاپ به یک فعالیت «لوکس و غیراقتصادی» تبدیل شده است.

سایه سنگین محاصره بر پیکر بی‌جان نشر

جنگ و محاصره دریایی جنوب توسط آمریکا علاوه بر خسارت ۲۷۰ میلیارد دلاری به بدنه کلان اقتصاد ایران، زنجیره تأمین مواد اولیه سلولوزی را قطع کرده است. درحالی که سال گذشته کارشناسان نسبت به «آب‌بر بودن» تولید داخلی کاغذ و عدم مزیت نسبی آن هشدار می‌دادند، وابستگی ۶۰ تا ۷۰ درصدی کشور به واردات کاغذ اکنون به پاشنه آشیل صنعت فرهنگ تبدیل شده است. قطعی دوامه اینترنت در ماه‌های گذشته و

گروه اجتماعی: درحالی که ایران در تب‌وتاب دوران دشوار آتش‌سوزی و پیامدهای سنگین محاصره دریایی توسط ایالات متحده در جنوب کشور به‌سر می‌برد، یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های فرهنگی و صنعتی کشور به مرز انهداد کامل رسیده است. بحران کاغذ که از اواخر سال گذشته و با آغاز تنش‌های نظامی در نهم اسفندماه سال گذشته وارد فاز نیمه‌کما شده بود اکنون در پنجمین روز از اردیبهشت ۱۴۰۵ به یک فروپاشی ساختاری بدل گشته است. قیمت هر کیلو کاغذ در بازار آزاد که سال گذشته در همین روزها تنها ۳۰ هزار تومان معامله می‌شد با جهشی بی‌سابقه و تحت‌تأثیر مستقیم محاصره و کمبود ارز به ۱۶۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی افزایش بیش از ۵۰۰ درصد در یک بازه زمانی یک ساله.

پایان عصر مطبوعات ارزان

ریشه‌های این بحران را باید در تصمیمات زمستان سال گذشته جست‌وجو کرد. زمانی که در هفدهم دی‌ماه، خبر حذف رسمی ارز ترجیحی کاغذ منتشر شد، فعالان حوزه نشر هشدار دادند که «کاغذ در کما» است. در آن مقطع، کاغذ تحریر با رشد ۱۱۲ درصدی به بندی ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده بود اما تصور نمی‌شد که با روی کار آمدن دولت جدید و تغییر اولویت‌ها، حمایت‌های حداقلی نیز قطع شود. در دولت فعلی عملاً تخصیص

جامعه

استراتژی بقاء

در عصر محاصره و آتش‌بس چگونه هزینه‌های زندگی را کم کنیم؟



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران و محاصره دریایی تنگه هرمز باعث شده که وضع اقتصادی ایران از پیش نیز بدتر شود. مرکز آمار ایران اعلام کرده، تورم سالانه خوراکی‌ها که سال گذشته حدود ۴۳ درصد بود پیش از محاصره به حدود ۱۲۵ درصد رسیده است. به گفته کارشناسان کاهش ارزش ریال همراه با مشکلات لجستیکی، قیمت کالاهای وارداتی را با سرعتی حتی بیشتر افزایش داده است. در عمل، بخش‌های اصلی صادرات ایران (پتروشیمی و صنایع فلزی) آسیب دیده و تأمین نهاده‌های تولید با مشکل مواجه شده است. به‌عنوان نمونه اختلال در صادرات محصولات پتروشیمی از طریق تنگه هرمز، عرضه جهانی پلاستیک را تنگ‌تر کرده و قیمت پلیمرهایی مانند پلی‌اتیلن و پلی‌پروپیلن را به بالاترین سطح چهار سال اخیر رسانده است. این عوامل در کنار تحریم‌ها و بی‌ثباتی ارزی، باعث شده تورم بالا و کمبود کالاهای اساسی اقتصاد را فلج کند. در چنین شرایطی، قدرت خرید مردم به شدت افت کرده و خانوارها ناچار به اصلاح شدید سبک زندگی خود هستند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد، خانوارها به دلیل تورم سرسام‌آور و کاهش درآمد، درحال کاهش چشمگیر مصرف هستند و برپس‌اندازهای پیشگیرانه تکیه می‌کنند. به بیان دیگر، افزایش قیمت‌ها و کاهش درآمد واقعی باعث شده، مردم مخارج غیرضروری را قطع و از خریدهای جدید چشم‌پوشی کنند.

تجارب جنگ‌زده‌ها: اوکراین و لبنان

بررسی تجربه کشورهای جنگ‌زده نشان می‌دهد مردم در بحران به انواع تمهیدات «مصرف کمتر» و «صرفه‌جویی» روی می‌آورند. مثلاً در بحران اقتصادی لبنان (سال ۲۰۲۳) حدود ۴۰ درصد خانوارها مجبور به فروش اموال خانگی شده‌اند و سه‌چهارمشان کاهش هزینه‌های درمانی را گزارش کرده‌اند. بسیاری نیز ناچار شده‌اند، هزینه‌های آموزش و بهداشت فرزندان را کاهش دهند یا فرزندان‌شان را برای کار به خیابان بفرستند تا مخارج زندگی تأمین شود. از سوی دیگر در اوکراین جنگ‌زده، گزارشی می‌گوید، نزدیک به ۳۰ درصد خانوارها «استراتژی‌های مقابله‌ای» را در پیش گرفته‌اند: هزینه‌های درمان را کاهش داده، شغل دوم می‌گیرند، قرض می‌کنند یا غذای ارزان‌تر می‌خورند تا دوام بیاورند. علاوه بر اینها مردم در بحران برق و انرژی نیز

محیط‌زیست

ردپای جنگ بر طبیعت ایران

از آلودگی هوای تهران تا بحران در اکوسیستم خلیج فارس

پیامدهای جنگ اخیر، تنها به خسارات انسانی و تخریب زیرساخت‌ها محدود نمانده و شواهد موجود، نشان می‌دهد محیط‌زیست نیز در ابعاد گسترده‌ای آسیب دیده است؛ آسمانی که هنوز ارزیابی دقیقی از دامنه آن منتشر نشده است. براساس داده‌های مطرح‌شده از سوی فعالان این حوزه، دست‌کم ۱۳ منطقه تحت حفاظت کشور در جریان حملات دچار خسارت شده‌اند؛ موضوعی که می‌تواند، تبعاتی مستقیم برای تنوع‌زیستی و زیستگاه‌های حساس به همراه داشته باشد.

در بخش خشکی، هدف قرار گرفتن تأسیسات نفتی و صنعتی در اطراف تهران منجر به انتشار حجم قابل‌توجهی از آلاینده‌ها در جو شد. این رخداد علاوه بر افزایش غلظت ذرات معلق ریز (PM ۱۰ و PM ۲.۵) به شکل‌گیری بارش‌های آلوده انجامید؛ بارش‌هایی که با انتقال ترکیبات شیمیایی به منابع آب و خاک، خطر آلودگی ثانویه را افزایش می‌دهند. با این حال، گزارشی رسمی درباره میزان ورود این آلاینده‌ها به مخازن آبی مانند سدهای اطراف پایتخت یا اثرات آن بر حیات‌وحش منتشر نشده است. هم‌زمان انفجارها و آتش‌سوزی‌های ناشی از حملات به انتشار گسترده کربن و سایر ترکیبات خطرناک انجامید که می‌تواند، پیامدهای بلندمدتی برای سلامت انسان و محیط داشته باشد. در این میان اثرات صوتی ناشی از انفجارها نیز به‌عنوان یک عامل استرس‌زا برای انسان و سایر زیست‌مندان مطرح شده است. در حوزه دریایی، شرایط نگران‌کننده‌تری گزارش شده است؛ غرق شدن چندین کشتی حامل سوخت، مواد شیمیایی و ترکیبات خطرناک به‌همراه آسیب به نفتکش‌ها موجب ورود آلاینده‌ها به آب‌های جنوبی شده است. همچنین حملات به تأسیسات انرژی در سواحل و آسیب به آب‌شیرین‌کن‌ها، احتمال افزایش ورود پساب‌های آلوده به دریا را تقویت کرده است. در این میان بخش‌هایی از اکوسیستم‌های حساس از جمله زیستگاه‌های مرجانی در مناطق مختلف خلیج فارس و تنگه هرمز نیز دچار آسیب شده‌اند؛ اکوسیستم‌هایی که نقش کلیدی در پایداری حیات دریایی دارند. با وجود گستردگی این رخدادها هنوز گزارش جامعی از میزان خسارت‌ها، نحوه مدیریت آلودگی‌ها و برنامه‌های جبرانی منتشر نشده است. کارشناسان تأکید دارند که سازمان‌های مسئول باید با پایش دقیق، داده‌های مستند را گردآوری کرده و در قالب گزارش‌های ملی و بین‌المللی ارائه دهند تا امکان پیگیری حقوقی و برنامه‌ریزی برای احیای محیط‌زیست فراهم شود.

جایگزینی لامپ‌ها با LED و استفاده از حسگر حرکتی برای نورپردازی می‌تواند، هزینه برق را به‌طرز چشمگیری کاهش دهد.

■ **تدارک باتری پشتیبان و پاوربانک:** تهیه باتری بزرگ یا پاوربانک برای شارژ گوشی، مودم و لپ‌تاپ امکان استفاده از وسایل الکترونیکی را در زمان قطعی برق مهیا می‌کند. حتی باتری‌های خودرو یا صنایع بزرگ به‌عنوان منبع برق پشتیبان قابل استفاده است.

■ **کاهش استفاده از ظروف پلاستیکی یک‌بار مصرف:** بهره‌گیری از ظروف چندبارمصرف مانند بطری‌ها و لیوان‌های قابل شست‌وشو علاوه بر صرفه‌جویی هزینه، جلوی هزینه مجدد بسته‌بندی را می‌گیرد. حتی ظروف یک‌بار مصرف با دوام مانند کیف‌های پارچه‌ای یا بطری‌های استیل را می‌توان چندین بار استفاده کرد و هزینه کل را کاهش داد.

■ **انتخاب خوراکی‌های ارزان‌تر اما مغذی:** به جای غذاهای وارداتی گران (مثل انواع گران‌قیمت گوشت یا کنسرو خارجی)، مصرف حبوبات، غلات، سبزیجات محلی و غذاهای ساده می‌تواند، قدرت خرید را افزایش دهد. همان‌طور که در اوکراین مشاهده شد، خوردن غذاهای ارزان‌تر بخش قابل‌توجهی از راهبردهای مقابله با بحران را تشکیل می‌دهد. کاشت سبزیجات در بالکن یا حیاط خانه (نمونه «باغچه خانگی») نیز می‌تواند به تأمین مواد غذایی اولیه کمک کند.

■ **برنامه‌ریزی و خرید هوشمند:** انجام خریدهای عمده از فروشگاه‌های تخفیف‌دار، اولویت دادن به اقلام اساسی و برنامه‌ریزی وعده‌های غذایی برای جلوگیری از هدررفت غذا و هزینه‌های بسیار مؤثر است. همچنین در صورت پیش‌بینی کمبود یا گرانی آبی کالایی، خرید کاردی زود هنگام و انبار کردن منطقی (بدون ایجاد صفا یا احتکار) می‌تواند، مانع افزایش ناگهانی هزینه‌ها شود.

■ **تعمیر و استفاده مجدد به جای خرید جدید:** تعمیر لوازم خانگی، خودرو و لباس‌های فرسوده به‌جای خرید کالای نو می‌تواند صرفه‌جویی چشمگیری ایجاد کند. به‌عنوان مثال صرف اندکی برای تعمیر یک دستگاه برقی اغلب از هزینه خرید نمونه جدید کمتر است. در کشورهای بحران‌زده همیشه توصیه شده تا جایی که امکان دارد از وسایل موجود نهایت استفاده شود.

■ **اشتراک منابع و امکانات:** ایجاد سازوکارهای جامعه‌محور مثلاً تشکیل گروه خرید دسته‌جمعی، سیستم همسایگی برای استفاده از خودروی مشترک یا به اشتراک گذاشتن وسایل گران‌بها (مانند خودرو یا ابزارآلات) می‌تواند، هزینه‌های فردی را کاهش دهد.

■ **پس‌انداز پیشگیرانه و مدیریت بودجه:** با توجه به تورم بالا، مدیریت دقیق‌تر درآمد و کاهش مخارج غیرضروری ضروری است. خانوارها باید اولویت‌بندی کنند که کدام هزینه‌ها واقعاً ضروری است و بخشی از درآمد خود را به پس‌انداز اضطراری اختصاص دهند تا در صورت وخامت بیشتر شرایط آماده باشند.



